

نمود فعل در زبان دری

پوهنوال دکتور راحله حمیدزی

دپیارتمنت دری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: rahela.hamidzai@gmail.com

چکیده

در نظام دستوری زبان، فعل موضوع دلچسپ؛ اما پیچیده است زیرا کارکرد فعل چند بُعدی بوده و اندک بی‌توجهی سبب در هم آمیختن مفاهیم زمان، وجه و نمود می‌گردد. فعل هم از نگاه ساخت ظاهری و هم از نگاه داشته‌های داخلی مطالعه می‌شود. هدف از این مقاله درک و شناخت درست نمود فعل، کارکرد و سودمندی آن در زبان و درک تفاوت آن با زمان و وجه فعل است. مقاله با میتود کتابخانه‌ای و بیشتر از روش تحلیلی و توصیفی استفاده شده است. از این مقاله نتیجه گرفتیم که نمود فعل از نگرش‌های مختلف در ظرفیت درونی فعل برای انتقال مفهوم زمان مشخص است. نمودهای واژگانی، مقوله‌های واژگانی و معنایی استند؛ لحظه‌ای و تداومی بودن فعل را نشان می‌دهند. نمودهای دستوری شیوه‌های متفاوت نگرستن به نحوه‌ی انجام یک عمل استند؛ که کامل بودن، ناقص بودن، دوام و انقطاع فعل را نشان می‌دهد. کارکرد نمود متفاوت از وجه و زمان فعل می‌باشد، چون طرز وقوع و معنای فعل را نشان می‌دهد.

اصطلاحات کلیدی: فعل؛ نمود؛ زمان؛ وجه؛ نمود کامل؛ ناقص

The Verb Aspect in Dari Language

Associate Professor Dr. Rahela Hamidzai

Department of Dari, Faculty of Language and Literature, Kabul University, Kabul, Afghanistan

Email: rahela.hamidzai@gmail.com

Abstract

In the grammatical system of language, the verb is an intriguing yet complex element, as its complicated function often leads to the subtle intertwining of temporal, modal, and aspectual nuances. The verb is examined both in terms of its structural appearance and internal features. This article aims to raise an understanding of the verb aspect, its functionality, and its significance in language while distinguishing it from the concepts of tense and mood. The methodology employed in this article is predominantly library-based, with a focus on analytical and descriptive approaches. The findings of this article revealed that the verb aspect, from various perspectives, resides within the inherent capacity of the verb to convey specific temporal meanings. Lexical aspects, verbal aspects, and semantic features signify the momentary and durative nature of the verb. Syntactic aspects represent different ways of viewing the execution of an action, encompassing completeness, incompleteness, continuity, and interruption of the verb. The function of verb aspects differs from the tense and mood, as it illustrates the manner of occurrence and the verb's meaning.

Keywords: Verb; Aspect; Tense; Mood; Perfect Aspect; Imperfect Aspect

مقدمه

نمود مقوله‌ی معناشناختی در نگرش به ساختار زمانی فعل است و آن کیفیت انجام فعل از حیث آغاز، استمرار، جریان یا انقطاع و پایان فعل در ارتباط به زمان مشخص است. نمود فعل در کنار وجه و زمان از ویژگی‌های خاص فعل بوده و هر یک فعل را از دید ویژه و جداگانه توصیف می‌کند. در مقدمه‌ی حاضر تفاوت این سه ویژگی فعل را بیان می‌کنیم تا با هم اشتباه نشوند.

وجه، جنبه‌ای از فعل است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنا و تأکید دلالت می‌کند. پس وجوه فعل عبارت است از: وجه اخباری، وجه پرسشی، وجه امری، وجه التزامی، وجه وصفی و وجه مصدری می‌باشد.

زمان فعل، فعل در یکی از زمان‌های گذشته، حال یا آینده رخ می‌دهد، پس فعل از نظر زمان سه گونه است: گذشته؛ مانند: «رفت»، حال؛ مانند: «می‌رود» و آینده یا مستقبل؛ مانند: «خواهد رفت».

نمود، تفاوت آن را با زمان و وجه فعل دیدیم که یک‌سان نیست پس در مورد نمود این قدر می‌گوییم که به بیان ظرفیت درونی فعل در زمان مشخص دلالت دارد که در صفحات آینده به تعریف و چگونگی کاربرد و کارکرد آن می‌پردازیم.

بیان مسأله

قبلاً گفتیم فعل کارکرد چندبعدی دارد که یکی از این کارکردها مربوط به نمود فعل است. متأسفانه در کتاب‌های دستور زبان افغانستان به این موضوع مهم نپرداخته‌اند. اگر فعل را بررسی کرده‌اند تنها از نگاه وجه (اخباری، امری، پرسشی...) و از نگاه زمان (گذشته، حال و آینده) توضیح شده است، موضوع انتقال مفهوم فعل در یک زمان مشخص، توجه چندانی صورت نگرفته است؛ یعنی از شروع و ختم فعل در زمان حال و گذشته بحث شده است؛ اما به کامل، ناقص، لحظه‌ای و تداومی بودن فعل اشاره‌ای نکرده‌اند، حال آن‌که در بیان مفهوم درونی فعل یک موضوع مهم دستوری است.

بنابراین، در این مقاله کوشش می‌شود که نمود فعل را به صورت جدا از وجه و زمان فعل بررسی کنیم و تفاوت‌های آن‌ها را درک کرده در مثال‌ها، واضح و روشن توضیح دهیم. تا بدانیم که چرا به چنین موضوع مهم نپرداخته‌اند، با وجود که مثل وجه و زمان در بیان کارکردهای فعل موضوع مهم پنداشته می‌شود. و نظر به کارکرد نمود فعل ما تداوم، تناقص، لحظه‌ای، وضعیتی، تحقق‌ی، رخدادی و دست‌آوردی بودن فعل را تشخیص می‌توانیم.

پرسش‌هایی را در این مقاله باید جواب دهیم که به صورت ذیل مطرح می‌شوند:

۱. نمود فعل در کنار وجه و زمان فعل یک موضوع مهم دستوری شده می‌تواند؟

۲. در تحلیل جمله‌های یک متن، نمود ما را چه کمک کرده می‌تواند؟

پیشینه‌ی تحقیق

بسیاری از کتاب‌های دستور زبان را که در جغرافیای افغانستان نوشته شده است، از نظر گذشتاندم و دریافتم که به این مورد توجه نشده است و توضیحی نیافتم. اما دستورهای زبان که در ایران نوشته شده است به این مهم متوجه شده و توضیحاتی را بیان داشته‌اند. در ذیل ما به چند مورد آن‌ها اشاره‌ی کوتاه به‌عنوان کارهایی پیشین می‌پردازیم:

خسرو فرشیدورد (۱۳۸۸)، در فصل سوم کتابش تحت عنوان «دستور مختصر امروز بر پایه‌ی زبان‌شناسی جدید» نمود را به‌نام حد فعل نیز یاد کرده است و می‌گوید: «ویژگی‌های فعل را از لحاظ دلالتش بر آغاز و دوام و پایان و کمال و نقص و وقوع آن، و از نظر ارتباطش با زمان معین نمود یا حد آن می‌گویند و فعل را از این لحاظ می‌توان به پنج قسم تقسیم کرد: مبهم یا مطلق، ناتمام یا استمراری، کامل، نیمه کامل و آغازی» (فرشیدورد، ۱۳۸۸، ص ۲۴۱).

«وجه، نمود و نفی» در زبان فارسی (۱۳۹۳)، اثر آریتا حجت‌الله طالقانی به زبان انگلیسی است که توسط مهین‌ناز میردهقان و همکارانش به زبان دری ترجمه شده است. در فصل چهارم این کتاب تفاوت و ارتباط نزدیک زمان و نمود فعل را بیان کرده می‌افزاید که «می» از نگاه زمان در حال و گذشته بیان‌گر استمرار است؛ اما از نگاه نقش نمودی ناقص در هردو زمان حال و گذشته است.

عباس علی وفایی «دستور توصیفی بر اساس واحدهای زبان فارسی» (۱۳۹۲)، را نوشت. وی در بخش سوم اثر خویش، فعل را از ابعاد مختلف آن شرح کرده است. در شرح نمود می‌گوید: «یکی دیگر از نشانه‌های فعل «نمود» است و آن کیفیت انجام فعل از حیث آغاز، استمرار، جریان یا انقطاع و پایان فعل در زمان مشخص است. نمود افعال فارسی به قرار زیر است: نمود آغازی، نمود استمراری و نمود کامل یا پایانی.

فرشته مومنی در اثرش «دستور تحلیلی زبان فارسی رویکرد زبان‌شناختی» (۱۳۹۴)، از نمودهای ساده و مرکب سخن گفته است که در مقاله‌ی حاضر از آن استفاده شده است.

از برخی کتاب‌های دستور زبان فارسی که در این مورد استفاده شده است در مآخذ ذکر گردیده است.

روش تحقیق

این تحقیق، کاربردی است. گردآوری داده‌های این مقاله چنان است، که پس از مطالعه‌ی منابع (کتابخانه‌یی) اعم از کتاب‌ها و مقاله‌های علمی و منابع اینترنتی موجود پیرامون نمود فعل انجام شده است.

در نتیجه نمود فعل در جملات زبان با روش توصیفی تحلیلی مورد بررسی و تحلیل کیفی قرار گرفته است و به پرسش‌های این مقاله، پاسخ مقنع به دست آمده است.

نمود فعل

نمود مجموعه‌ی نگرش‌های گوناگون به ظرفیت درونی فعل در انتقال مفهوم زمان است. این ویژگی فعل بخشی از نظریه‌ی زبان‌شناسی همگانی است. طبقه‌ای است که در ساختار فعل در کنار زمان و وجه متبلور می‌شود.

زمان و نمود هر دو ویژگی‌های زمانی یک رخداد را نشان می‌دهند؛ دستورنویسان قبلی تمایزی بین هر دو قایل نشده‌اند؛ اما باید گفت که زمان دستوری جایگاه وقوع فعل را در یک زمان (گذشته، حال و آینده) مشخص می‌سازد، حال آن‌که نمود یک فعل نحوه‌ی تحقق رخداد فعل در درون هر یک از زمان‌های مطلوب را منعکس می‌کند. به عبارت دیگر نمود، یا مفهوم تکرار، استمرار یا دوام و پایداری فعل را بیان می‌کند که به آن نمود عادی، استمراری می‌گویند و یا بیان‌گر ناتمام و در حال ادامه بودن فعل است که آن را نمود در جریان می‌نامند.

دو نوع نمود واژگانی و نمود دستوری داریم. نمودهای واژگانی، مقوله‌ی واژگانی و معنایی است. این نمود، بیشتر بر معنای واژگانی دلالت دارد و از این‌رو برای ریشه‌ی فعلی هم صادق است که فقره‌ی فعلی از آن ساخته می‌شود. در زبان دری دو گونه نمود واژگانی را دیده می‌توانیم: فقره‌ی فعلی واژگانی ایستا و پویا که نمود واژگانی ایستا بر انجام گرفتن کاری دلالت نمی‌کند، مانند:

من یک کتاب داشتم.

فرامرز همه چیز را می‌دانست.

نمود واژگانی پویا نشان‌دهنده‌ی انجام گرفتن کاری است و به دو دسته‌ی لحظه‌ای و تداومی تقسیم شده است که بعد به تفصیل ذکر می‌گردد (فاضل، ۱۳۹۲، ص ۲۸۱).

نمود واژگانی برای بیان معنایی هر فعل به روی دادن فعل در نقطه‌ای از زمان دلالت دارد. در واقع نوع عمل افعال، به موضوع معنایی که در جهان واقعیت وجود دارد، اشاره می‌کند. این نمود مباحث مانند (لحظه‌ای، تداومی و لحظه‌ای-تداومی) را بیان می‌کند. به سخن دیگر نمود فعل عمدتاً به ابزار صوری دستوری زبان برای نحوه‌ی تحقق فعل اشاره می‌کند. و یا، نمود واژگانی به مختصه‌های واژگانی افعال در واژگان اهل زبان و فارغ از نحوه‌ی انعکاس آن در قالب کدهای دستوری برمی‌گردد (گلغام، ۱۳۸۵، ص ۷۴).

نمود دستوری به دیدگاه اتخاذ شده از سوی گوینده برای نگاه به عملی بر می‌گردد. به عبارت دیگر نمودهای دستوری مختلف در واقع شیوه‌های متفاوت نگرستن به نحوه‌ی انجام یک عمل است. دو جمله‌ی زیر را در نظر می‌گیریم:

احمد این موضوع را یاد گرفت.

احمد این موضوع را می‌داند.

این دو جمله دارای دو نوع عمل متفاوت است، چون در اولی وضعیتی به وضعیتی تغییر کرده یعنی ندانستن به دانستن تبدیل شده است. درحالی‌که در جمله‌ی دوم یک وضعیت حاکم است. پس نوع عمل، ویژگی ذاتی افعال است؛ اما نمود دستوری به ویژگی افعال ربطی ندارد و نحوه‌ی نگاه گوینده به بعد زمانی انجام عمل است.

نمود یک فعل در واقع بازتاب میزان تداوم رخداد فعل در محور زمان است.

نمود به دو بخش تقسیم می‌شود: نمود کامل و نمود ناقص؛ در نمود کامل تحقق فعل کامل می‌شود، یعنی دارای آغاز، وسط و انجام است و به عملی اشاره دارد که در محدوده‌ی زمانی مشخص شروع و تمام شده است. اما در نمود ناقص تحقق فعل جریان ممتد و نامقید است و در محور زمان گستره‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر بخشی از موقعیت را نشان می‌دهد و به نقطه‌ی پایانی اشاره‌ای ندارد (راسخ مهند، ۱۳۸۸، ص ۷۹). جمله‌های زیر را در نظر می‌گیریم:

احمد پرویز را زد.

احمد پرویز را می‌زد.

به لحاظ زمانی رخداد فعل در هر دو جمله گذشته است؛ اما تفاوت هر دو جمله به نمود متمایز آن‌ها باز می‌گردد. در جمله‌ی نخست، مقطعی از زمان گذشته انتخاب می‌شود و رخداد فعل به آن مقطع خاص محدود می‌شود. و در جمله‌ی دوم رخداد فعل در جریان است که از مقطع گذشته به سوی زمان حال امتداد می‌یابد و به همین دلیل ناقص نامیده می‌شود (گلفام، ۱۳۸۵، ص ۷۲).

در زبان دری نمود کامل به دو صورت نشان داده می‌شود: الف. استفاده از زمان گذشته‌ی ساده؛ مانند «کتاب را تا آخر خواندم». ب. استفاده از پسوند تصریفی «-ه» که به ریشه‌ی ماضی فعل اصلی افزوده می‌شود، همراه با فعل «بودن» و یا یکی از پسوندهای ضمائر فاعلی «-م»، «-ی» و پسوند «-ه» (یا صورت کامل «است») «یم، ید، ند» (برای زمان حال) (قطره، ۱۳۸۸، ص ۷۹)؛ مانند:

«کتاب را تا آخر خوانده بودم»

«کتاب را تا آخر خوانده‌ام»

افعالی که به صورت استمراری به کار می‌روند بر دو نوع‌اند: رخدادی و تحقیقی. به مثال‌های زیر توجه کنید:

احمد می‌دود.

هر لحظه ممکن است این عمل متوقف شود، در آن صورت هم می‌توان گفت «احمد دوید.» یعنی این افعال دارای نقطه‌ی مشخص انتهایی نیستند. پس این گروه افعال رخدادی‌اند. اما در جمله‌ی: احمد دایره می‌کشد.

فعل «کشیدن» دارای نقطه‌ی انتهایی است. اگر انجام عمل را قبل از نقطه‌ی اتمام متوقف کند، نمی‌توان گفت «احمد دایره کشید» چون این کار نقطه‌ی پایان مشخصی دارد، پس این گروه افعال تحقیقی‌اند. نمود کامل با افعالی (رخدادی و تحقیقی) به معنای تمام شدن و انجام عمل در گذشته است. مانند: احمد دیروز در دریا شنا کرد. (فعل رخدادی)

ترمیم‌کار دیروز رادیو را ترمیم کرد. (فعل تحقیقی)

افعالی که با نمود ناقص بیان شده نمی‌توانند و این افعال با کاربرد نمود کامل بیان می‌شوند، نیز دارای دو طبقه‌ی دیگر (وضعیتی و دست‌آوردی) هستند که به معنای انجام عمل و تمام شدن آن در گذشته نیست. برای درک بهتر این دو گروه فعل به جملات زیر توجه کنید:

من دیروز پاسخ این پرسش را دانستم (و حالا هم می‌دانم). (فعل وضعیتی)

دشمنم را دیروز شناختم (و حالا هم می‌شناسم). (فعل دست‌آوردی)

در جمله‌ی نخست عملی صورت نگرفته است که پایان پذیرفته باشد و از سوی دیگر این دانستن می‌تواند حالا هم ادامه داشته باشد. در جمله‌ی دوم که فعل دست‌آوردی به کار رفته است، درست است که «شناختن» در گذشته صورت گرفته است؛ ولی هنوز هم ادامه دارد. یعنی نمود کامل با افعال رخدادی، وضعیتی و دست‌آوردی نقطه‌ی پایان آن را نشان نمی‌دهد و با چهار طبقه‌ی دیگر نقطه‌ی پایان را نشان می‌دهد.

این افعال را حال با نمود ناقص می‌بینیم که چه تفاوتی دارند. در نمود ناقص افعال رخدادی، که غیرنهایی هستند و افعال تحقیقی، که نهایی هستند، در معنای عملی که هنوز تمام نشده است به کار می‌روند و در واقع کاربرد معنای استمرار را دارند، مانند:

احمد حالا در دریا شنا می‌کند. (فعل رخدادی)

ترمیم‌کار حالا رادیو را ترمیم می‌کند. (فعل تحقیقی)

اما نمود ناقص با افعال وضعیتی و دست‌آوردی، مفهوم استمرار ندارد. مانند:

من حالا پاسخ این پرسش را می‌دانم. (فعل وضعیتی)

من حالا دشمنم را می‌شناسم. (فعل دست‌آوردی)

افعال وضعیتی به موقعیت‌هایی اشاره دارند که تغییر نمی‌کنند و در تمام لحظات انجام عمل یک‌سان هستند. به‌طور مثال اگر کسی چیزی را از زمان (الف) تا زمان (ب) دوست داشته است، به این معنا که در تمام طول این مدت وضع به یک منوال بوده است. بنابراین، نمی‌توان این افعال را با عبارات زمانی که به طول زمانی اشاره دارد، به کار برد. به‌طور مثال جملاتی مانند «*من از پاسخ، یک روز آگاه بودم» یا «*من یک ساعت او را می‌شناختم»، قابل قبول نیستند. این افعال بدون صرف انرژی انجام می‌شوند و غیرنهایی هستند.

افعال رخدادی به موقعیت‌هایی اشاره دارند که همیش در حال تغییر اند. برای انجام این افعال، انرژی لازم است. به‌طور مثال اگر کسی برای آواز خواندن انرژی صرف نکند، آن عمل انجام نمی‌شود. افعال رخدادی می‌توانند هر لحظه متوقف شوند و به انتها برسند. اما افعال وضعیتی این گونه نیستند. افعال رخدادی را می‌توان با قیودی که به طول زمان اشاره دارند به کار برد؛ مانند «او یک ساعت کار کرد» یا «خواننده دو ساعت آواز خواند».

در این چهار گروه فعل: دست‌آوردی و تحقیقی دارای ویژگی نهایی هستند؛ اما رخدادی و وضعیتی غیرنهایی اند.

افعال نهایی سه مرحله دارند؛ مرحله‌ی نخست که ویژگی یا ماهیتی وجود ندارد، مرحله‌ی دوم که این ماهیت به وجود می‌آید و مرحله‌ی سوم که دیگر تغییری در این ماهیت ایجاد نمی‌شود و بدون صرف انرژی این ماهیت ادامه می‌یابد.

افعال تحقیقی، نهایی هستند و سه مرحله دارند؛ به‌طور مثال در جمله‌ی «دیروز عصر احمد یک کاردستی تیار کرد». مرحله‌ی اول نبود ماهیتی به نام کاردستی، مرحله‌ی دوم ساخته شدن آن و مرحله‌ی سوم وجود آن بدون نیاز به انرژی است. در افعال تحقیقی، مرحله به مرحله هر چه انجام می‌شود روی هم انباشته شده و در نهایت حاصل کار به دست می‌آید. پس این افعال ماهیت انباشتی داشته و لحظه‌ای نیستند و می‌توانیم آن‌ها را مانند افعال رخدادی، به صورت استمرار به کار ببریم؛ مانند «احمد کاردستی درست می‌کند» (راسخ مهند، ۱۳۸۸، ص ۷۵).

افعال دست‌آوردی، افعال نهایی هستند؛ اما مرحله‌ی بینابینی که در افعال تحقیقی وجود دارد، در این افعال دیده نمی‌شود؛ به‌طور مثال جمله‌ی «احمد به قله‌ی کوه رسید»، که فعل دست‌آوردی دارد فقط دو مرحله‌ی «رسیدن» و «نرسیدن» وجود دارد. مرحله‌ی بینابین را با این فعل نمی‌توان بیان کرد، به همین دلیل

این افعال لحظه‌ای اند، یعنی در یک لحظه انجام شده‌اند در حالی که در لحظه‌ی قبل انجام نشده بودند. این افعال در معنای دست‌آوردی به صورت استمرار به کار نمی‌روند؛ مانند «احمد به قله می‌رسد» به معنای تکرار فعل رسیدن نیست، بلکه نشان می‌دهد این عمل هنوز انجام نشده است. پس این افعال شبیه افعال وضعیتی هستند. این افعال را با قیود می‌توان به کار برد، مانند «احمد سر ساعت ۸ به قله رسید»؛ اما با قیدهایی که به طول زمان اشاره دارند، به کار نمی‌روند، مانند «*احمد یک ساعت به قله رسید» قابل قبول نیست.

ما این چهار گروه فعل را نظر به نهایی یا لحظه‌ای بودن و غیرنهایی و لحظه‌ای یا غیرلحظه‌ای بودن در جدول زیر نشان می‌دهیم:

جدول ۱: چگونگی وقوع فعل از نگاه نهایی و لحظه‌ای بودن

نوع عمل/ویژگی	نهایی	لحظه‌یی
وضعیتی	-	-
رخدادی	-	-
دست‌آوردی	+	+
تحقیقی	+	-

در مورد تمایز نوع عمل افعال، به‌طور خلاصه ویژگی‌های هر یک از طبقات افعال مذکور را به صورت زیر خلاصه می‌کنیم:

الف. افعال وضعیتی: ایستا، غیرنهایی و تداومی هستند.

ب. افعال رخدادی: پویا، تداومی و غیرنهایی هستند.

ج. افعال دست‌آوردی: پویا، لحظه‌ای و نهایی هستند.

د. افعال تحقیقی: پویا، تداومی و نهایی هستند.

در نمود ناقص بخشی از یک موقعیت در نظر گرفته می‌شود، بدون آن‌که اطلاعاتی در مورد آغاز و انجام آن ارائه گردد. دو نوع نمود ناقص وجود دارد:

نخست: نمود استمراری که با استفاده از وندافزایی و یا روش ترکیبی که بعداً به آن اشاره می‌کنم، انجام می‌گیرد.

دوم: نمود عادت مانند (هر روز یک گیلان شیر می‌خورم، هر روز یک گیلان شیر می‌خوردم). در زبان دری برای هر دو نمود استمراری و عادت از یک نشانه‌ی تصریفی واحد یعنی پیشوند «می» استفاده می‌شود. اما کاربرد قیدهای متفاوت باعث تمیز این دو نوع نمود می‌شود.

حال کاربرد نمود ناقص را با طبقات چهارگانه می‌بینیم که از نگاه نوع عمل تفاوتی دارد یا خیر. در نمود ناقص، افعال رخدادی که غیرنهایی اند و افعال تحقیقی که نهایی اند در معنای عملی که هنوز تمام نشده است به کار می‌روند و معنای استمرار را دارند، مانند:

احمد حالا در دریا شنا می‌کند. (رخدادی)

ترمیم کار حالا رادیو را ترمیم می‌کند. (تحقیقی)

نمود ناقص با افعال رخدادی و تحقیقی و با قید زمان مناسب مانند (هر روز) به معنای عادت به کار می‌رود. اما با افعال دست‌آوردی و وضعیتی در این ساخت به کار نمی‌رود؛ یعنی به معنای استمرار و تمام نشدن عمل نمی‌باشد (راسخ مهند، ۱۳۸۸، ص ۸۰)، مانند:

من حالا پاسخ این پرسش را می‌دانم. (وضعیتی)

من حالا دشمنم را می‌شناسم. (دست‌آوردی)

در نتیجه می‌توان گفت کاربرد نمود ناقص در معنای استمرار محدود به دو طبقه‌ی افعال رخدادی و تحقیقی است؛ اما در دو طبقه‌ی دیگر چنین معنایی ندارد.

از زاویه‌ی دیگر مقوله‌ی نمود را به نمود لحظه‌ای و نمود تداومی می‌توان جدا کرد که به مختصه‌های معنایی فعل بر می‌گردد. طبقه‌ی اول که در یک لحظه اتفاق می‌افتد، مثل فعل‌های «رسیدن» و «گذشتن» در جملات «احمد به قله رسید» یا «احمد از سرک گذشت». اما طبقه‌ی دیگر افعالی‌اند که در یک لحظه نه بلکه دارای طول زمانی هستند و از لحظه‌ی آغاز تا لحظه‌ی انجام قطعاتی از محور زمان را به خود اختصاص می‌دهند. به‌طور مثال:

برادرم موسیقی دوست دارد.

فرق بین فعل لحظه‌ای و تداومی را در مثال روشن می‌سازیم؛ به‌طور مثال فعل «کشتن» یک فعل لحظه‌ای است و تنها در یک شرایط خاص بافتی می‌توان از نشان‌گر صوری «می-» برای آن استفاده کرد. اما فعل «خوردن» از افعال تداومی است و حتا بدون علامت نمود استمرار به کار می‌رود، با توجه به مختصه‌ی معنایی آن، گویشوران می‌دانند که تحقق چنین فعلی مستلزم قطعات مختلف در محور زمان است:

احمد شیشه را شکست. (زمان گذشته - نمود لحظه‌ای)

احمد غذایش را خورد. (زمان گذشته - نمود تداومی)

در نتیجه بین نمود لحظه‌ای بودن فعل و کامل بودن آن از یک سو و نمود تداومی بودن فعل و ناقص بودن آن نوعی هم‌سویی وجود دارد. پس دانستیم که از اصطلاح استمرار برای نمود ناقص استفاده می‌شود.

وحید رنجبر در کتابش «ساخت زبان فارسی امروز بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتارزایی» در مورد نمود استمراری می‌گوید: «نمود استمراری بر تداوم انجام شدن یا روی دادن فعلی در طیفی از زمان دلالت دارد. اگر فعل نمود استمراری داشته باشد، تکواژ وابسته‌ی دستوری (می) پیش از ریشه‌ی حال یا ریشه‌ی گذشته می‌آید.» (رنجبر، ۱۳۹۴، ص ۳۴) پیشوند «می-» استمرار با فعل اصلی و کاربرد فعل دارم-داشتم در لهجه‌ی معیار ایران نمود ناقص فعل را می‌سازند. مانند:

دارم می‌روم.

داشتم می‌رفتم.

این نمود ظاهراً در سده‌ی اخیر به فارسی در ایران افزوده شده است و علت به‌وجود آمدن آن این است که دلالت ماضی استمراری بر تداوم کار در گذشته ضعیف شده است، بناً برای نشان دادن تداوم و استمرار عمل در گذشته از این فعل استفاده شد. ساخت‌های استمرار ابتدا در فارسی دری گفتاری به‌وجود آمد و به تدریج وارد فارسی دری نوشتاری شد (کامیار و عمرانی، ۱۳۸۳ [۱۳۷۹]، ص ۴۴). نمود استمراری زیرمجموعه‌ی نمود ناقص است. بدون نمود استمراری هم می‌توان در جریان بودن فعل را با نمود ناقص نشان داد: از ترکیب‌های چون «در حال ... بودن»، «مشغول ... بودن» و «سرگرم ... بودن» استفاده می‌شود: دارد درس می‌خواند — در حال / مشغول / سرگرم درس خواندن است.

در گویش معیاری دری افغانستان نمود ناقص فعل کاربرد ندارد و برای نشان دادن حالت استمرار تنها پیشوند «می-» با فعل اصلی به‌کار می‌رود.

می‌روم.

می‌رفتم.

نکته: نمود استمراری صورت منفی ندارد، یعنی «داشتم نمی‌رفتم» نداریم. این نمود تنها هنگامی به‌کار می‌رود که بخواهیم در جریان بودن فعل را در برهه‌ای از زمان بیان کنیم. در غیر این صورت، از معادل آن در نمود ناقص استفاده می‌شود: «داشتم می‌رفتم بانک»، «نمی‌رفتم بانک».

در تعریف نمود گفتیم: مقوله‌ای است در ارتباط با چگونگی جریان وقوع فعل که اتمام یا یکی از مفاهیم تکرار، استمرار یا دوام و پایداری و یا ناتمام ماندن آن را می‌رساند. بنابراین، باید کنش یا عمل یا حالت یا هر مفهوم دیگری که در فعل است، رخ داده باشد یا رخ دهد. این ویژگی‌ها را در موارد زیر نمی‌توان یافت:

- در فعل امر؛ زیرا در این فعل، کنشی واقع نشده است، بلکه فرمان یا درخواستی است برای وقوع / عدم وقوع یا انجام / عدم انجام یک فعل و به همین سبب می‌توان به چنین فعلی به صورت مصدر اشاره کرد:

لطفاً بیا و همین جا بنشین. (آمدن و نشستن، فرمان داده شده یا درخواست شده است.)

خداوندا، به داد ما برس! (دادرسی درخواست شده است.)

- فعل زمان حال در وجه التزامی؛ در چنین موردی نیز کنش فعل واقع نشده است؛ بلکه بر آن شرطی، التزامی، امکانی، احتمالی یا... مترتب است و این شرط یا التزام یا امکان یا احتمال یا... است که واقع می‌شود نه خود فعلی که وجه التزامی به زمان حال دارد (مومنی، ۱۳۹۴، ص ۷۱).

اگر بیایی، خوشحال می‌شویم. (=از آمدن تو خوشحال می‌شویم / آمدن تو ما را خوشحال می‌کند.)

شاید/ ممکن است/ احتمال دارد نرویم. (=نرفتن امکان/ احتمال دارد.)

پس گفته می‌توانیم در فعل‌هایی که وقوع یا عدم وقوع کنش فعل احراز نمی‌شود، نمود فعل نیز مورد انتظار نیست، در نتیجه چنین فعل‌هایی نمود ندارند.

در مورد پیشینه‌ی نمود فعل گفته می‌توانیم که دانشمندان دستور، نظریاتی داشته‌اند؛ اما در اوایل اصطلاح نمود وضع نشده بود. به این دلیل به چند نظر کوتاه بحث خویش را خاتمه می‌بخشیم.

دکتر کامیار و عمرانی در کتاب دستور زبان خود در قسمت فعل چنین اشاره دارد:

فعل‌های فارسی بر سه نوع است: لحظه‌ای، تداومی، لحظه‌ای-تداومی.

افعال لحظه‌ای که عمل شان در یک لحظه رخ می‌دهد و ادامه پیدا نمی‌کند، مثل: افتادن، شکستن، مردن و غیره.

افعال تداومی که عمل آن‌ها تداوم داشته باشد، مثل: خوردن، یافتن، ساختن، نوشتن و غیره.

افعال لحظه‌ای-تداومی که عمل شان در یک لحظه اتفاق می‌افتد؛ اما ادامه پیدا می‌کند: خوابیدن، ایستادن، نشستن و غیره.

فعل‌های لحظه‌ای-تداومی بر زمان حال اخباری دلالت دارد: احمد خوابیده است (کامیار و عمرانی، ۱۳۸۳ [۱۳۷۹]، ص ۴۲).

دکتر عباس علی وفایی نمود را به سه دسته تقسیم نموده است:

نمود آغازی: این نمود به شروع و انجام فعل دلالت می‌کند؛ مانند:

راه بیفتیم.

قدم بزنیم.

داشتیم آغاز می‌کردیم.

نمود استمراری: که به استمرار و جریان فعل دلالت می‌کند. معمولاً فعل‌های گذشته‌ی استمراری، حال

استمراری و حال اخباری در این نمود قرار می‌گیرند؛ مانند:

وقتی به پوهنتون می‌آمدم دوست قدیمی‌ام را دیدم.

او از مطالعه، زیاد لذت می‌برد.

احمد در کابل زندگی می‌کند.

نمود کامل یا پایانی: فعلی کاملاً پایان یافته است. فعل گذشته‌ی مطلق، گذشته‌ی بعید و گذشته‌ی نقلی در این نمود به کار می‌روند؛ مانند:

احمد در پوهنتون کابل تحصیل کرده است.

با خانواده‌اش به مسافرت رفته است (وفایی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴).

اما دکتر فرشیدورد نمود را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

مبهم یا مطلق: که آغاز و پایان فعل درست معلوم نیست؛ مانند: رفت، می‌رود.

استمراری یا ناتمام: فعلی که در زمان معین تمام نشده است؛ مانند:

دیشب ساعت ۸ غذا می‌خورد، حالا مشغول نوشتن است.

کامل: فعل در زمان معین تمام شده است؛ مانند: هوشنگ حالا رسیده است. وقتی تو آمدی من رفته بودم.

نیمه کامل: در حد فاصل بین ناتمام و کامل قرار دارد و بعضاً بر ابهام نیز دلالت می‌کند؛ مانند:

دیشب ساعت ۸ به خانه می‌رفته است.

آغازی: نمودی که بر شروع فعل دلالت می‌کند (فرشیدورد، ۱۳۸۸، ص ۲۴۲)؛ مانند:

باران باریدن گرفت، او شروع کرد به گریه کردن.

نتیجه‌گیری

نمود در کنار وجه و زمان، چگونگی وقوع فعل را در ارتباط با زمان مشخص بیان می‌کند. زمان فعل مربوط به زمان وقوع فعل در گذشته، حال و آینده است. نمود مربوط به چگونگی وقوع فعل است. دو نوع نمود داریم: کامل و ناقص. کامل که آغاز و پایان فعل را بیان می‌کند و ناقص که آغاز و پایان فعل را بیان کرده نمی‌تواند. وجه فعل و زمان فعل هیچ‌گاه برای ما بیان نمی‌کند که فعل ما کامل است یا ناقص، لحظه‌ای است یا تداومی، دست‌آوردی است یا تحقیقی. این همه موارد را تنها نمود فعل برای ما بیان می‌کند؛ نمود فعل نشان می‌دهد که آیا فعل در یک لحظه اتفاق افتاده یا به صورت تداومی. آیا فعل ما وقوع فعل را نشان می‌دهد یا نشان‌دهنده‌ی حالت است.

عمل فعل در زبان دری به چهار طبقه تقسیم می‌شود: رخدادی، تحقیقی، وضعیتی و دست‌آوردی که این چهار طبقه عمل با فعل کامل نقطه‌ی آغاز و پایان فعل را بیان کرده؛ اما استمرار را بیان نمی‌کنند. لیکن این چهار طبقه با نمود ناقص اشاره به حال و استمرار دارد، به‌ویژه در صورت کاربرد. ما در این تحقیق دیدیم که فعل ابعاد زیادی دارد و آن جزء سخن است که می‌توان از زاویه‌های مختلف به بررسی آن پرداخت و خواستیم با آوردن مثال‌های روشن از زبان معیاری، موضوع را ساده‌تر تفهیم نماییم.

پاسخ‌های درست به پرسش‌های خود یافتیم؛ در کنار وجه و زمان فعل، نمود یک مقوله‌ی مهم دستوری است و وقوع فعل را نشان می‌دهد، زمان و وجه نشان‌دهنده‌ی تداوم، لحظه‌ای، کامل و ناقص بودن فعل شده نمی‌تواند جز نمود فعل.

در تحلیل جملات ما از نمود فعل استفاده‌ی زیاد می‌توانیم، یعنی ما در تجزیه و تحلیل جمله‌ها می‌دانیم که فعل جز در زمان مشخص به چگونه واقع شدن عمل هم دلالت می‌کند. آیا فعل به‌کلی انجام یافته یا دوام دارد. جمله‌های یک متن ادبی و تاریخی را به این منوال می‌توان تحلیل و بررسی کرد.

منابع

- حجت‌الله طالقانی، آریتا. (۱۳۹۳). مقوله‌ی وجه، نمود و نفی در زبان فارسی. ترجمه‌ی مهین‌ناز میردهقان و دیگران. تهران: نویسه‌ی پارسی.
- راسخ مهند، محمد. (۱۳۸۸). گفتارهایی در نحو. تهران: مرکز.
- رنجبر، وحید. (۱۳۹۴). ساخت زبان فارسی امروز بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتارزایی. تهران: ققنوس.
- فاضل، نوید. (۱۳۹۲). دستور زبان فارسی. تهران: آگه.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۸). دستور مختصر امروز بر پایه‌ی زبان‌شناسی جدید. تهران: سخن.
- قطره، فریبا. (۱۳۸۶). مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز. دستور (ویژه‌نامه‌ی فرهنگستان). ش ۳. تهران: گلفام، ارسال. (۱۳۸۵). اصول دستور زبان. تهران: سمت.
- مومنی، فرشته. (۱۳۹۴). دستور تحلیلی زبان فارسی: رویکرد زبان‌شناختی. تهران: سیاه‌رود.
- وحیدیان کامیار، تقی، غلام‌رضا عمران. (۱۳۸۳). دستور زبان فارسی (۱). چاپ ششم. تهران: سمت.
- وفایی، عباس‌علی. (۱۳۹۲). دستور توصیفی: بر اساس واحدهای زبان فارسی. تهران: سخن.